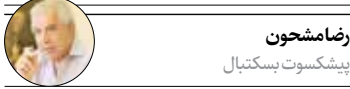


## یادداشت



زمامشچون

پیشکسوت بسکتبال

## معلمی دلسوز و با حوصله

بسکتبال ایران یکی از بهترین‌های خود را از دست داد. به باور من، او در کنار مرحوم بردارم، محمود مشحون، بیشترین خدمات را به این رشته ارائه کردند.

آنها که با عنایت آتشی آشنایی دارند، می‌دانند که همه چیز در زندگی او به یک اصل واحد گره خورده بود: بسکتبال. وقتی از تاریخ این رشته سخن می‌گویم، بی‌اختیار به روایت‌هایی می‌رسیم که از خلال نگاه و صدای او شکل گرفته‌اند. چند جلد کتابی که از او به یادگار مانده، بخش مهمی از میراث ارزشمند اوست. او در بسکتبال، تمامی مدارج بازیکنی تا مربیگری، مدیریت و گزارشگری را یک‌به‌یک و به‌طور کامل پشت سر گذاشت و کویبی تاریخ زنده‌ای از بسکتبال را با خود حمل می‌کرد. در جایگاه‌های مختلفی همچون مربی تیم‌های ملی و حدود ۱۰ تیم باشگاهی، مدیر باشگاه استقلال و معاونت استادیوم آزادی فعالیت داشت.

او انسانی بسیار منظم، مرتب، دوست‌داشتنی و سالم بود. سال‌ها در فدراسیون بسکتبال به عنوان دبیر، به همراه بردارم خدمت کردند و در این مسیر، نتایج و افتخارات بسیاری در زده‌های مختلف به دست آوردیم. زحمات او در این جایگاه کاملاً محسوس و آشکار بود.

آتشی از نظر شخصیتی، فردی خوش‌مشرب، رفیق‌دوست و باصفا بود. چندین سفر داخلی و خارجی را در کنار او تجربه کردم و از هم‌سفری و هم‌اتاقی با او لذت بردم. همواره احساس مسئولیت می‌کرد و مراقب بود مشکلی در تیم به وجود نیاید. نسبت به همه نهایت محبت را داشت. واقعاً بسکتبال ایران یکی از بهترین‌های خود را از دست داد.

او چهره‌ای نام‌آشنا در بسکتبال ایران بود و برای این رشته زحمات بسیاری کشید. سال‌های طولانی به عنوان گزارشگر تلویزیونی فعالیت داشت و بازی‌های ملی، باشگاهی ایران و حتی مسابقات اروپایی و آمریکایی را گزارش می‌کرد؛ صدایی ماندگار که جمعه‌ها ما را پای تلویزیون می‌خکوب می‌کرد.

خاطرات ورزشی فراوانی با او دارم که شاید بسیاری از آنها قابل بازگو کردن نباشد. عنایت بسیار بذله‌گو بود. عادت داشت هنگام شوخی یا خطاب قرار دادن دیگران، به آنها شماره بدهد؛ مثلاً اگر می‌خواست بگوید کسی چندان به کار نمی‌آید، شماره ۲۲ را به او اختصاص می‌داد. با این حال، هیچ‌گاه با کسی مشکلی نداشت و وارد حاشیه نمی‌شد.

زحمات او در بسکتبال غیرقابل انکار است. در سال‌هایی که در فدراسیون در کنار او بودم و او عضو هیأت‌رئیسه بود، چیزهای زیادی آموختم و تجربه‌های ارزشمندی کسب کردم. در عرصه‌های مدیریت، مربیگری، رسانه و دیگر حوزه‌ها، نقش مؤثری ایفا کرد و اتفاقات مثبتی رقم زد.

بسکتبال ایران یکی از بهترین‌های خود را از دست داد؛ فقدانی که بی‌تردید جای تأسف بسیار دارد.

## نگاه



رئیس اسبق کمیته ملی المپیک

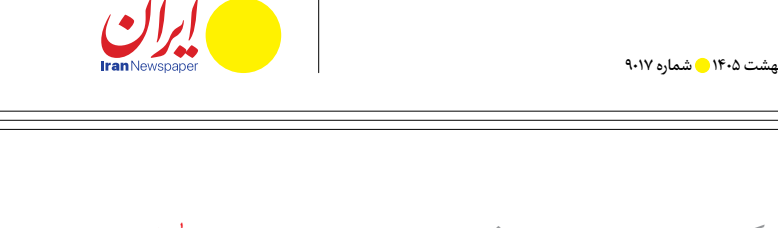
## صدای ماندگار ورزش

همه چیز زندگی عنایت‌الله آتشی با بسکتبال گره خورده بود. او از زحمت‌کشان این رشته در ایران به شمار می‌رفت؛ چه در قامت بازیکن ملی و چه به عنوان سرمربی تیم‌های ملی، خدشانی ماندگار از خود به جا گذاشت و همواره در بالاترین سطوح این ورزش حضور داشت.

در دورانی که من رئیس وقت کمیته ملی المپیک بودم، او هدایت تیم ملی بسکتبال را بر عهده داشت. از نظر شخصیت و منش، فردی کم‌نظیر و در میان اهالی ورزش از احترام و اعتبار ویژه‌ای برخوردار بود. درگذشت او فقدانی بزرگ برای ورزش کشور است؛ چهره‌ای که به پاس سال‌ها تلاش، در زمره نام‌های ماندگار بسکتبال ایران جای گرفت.

عنایت‌الله آتشی در سال‌های پس از انقلاب ۱۳۵۷، زمانی که ساختارهای اداری کشور دستخوش تغییرات گسترده شده بود و باشگاه تاج نیز از این تحولات بی‌نصیب نمانده بود، به همراه منصور پورحیدری توانست با تغییر نام این باشگاه به «استقلال»، در حفظ و استمرار فعالیت این مجموعه بزرگ نقش مهمی ایفا کند. او خود روایت کرده بود که در آن دوران حتی برخی به صراحت خواستار انحلال باشگاه بودند و کمتر کسی انگیزه ادامه فعالیت را داشت؛ از همین رو نام «استقلال» را با معنای ایستادن روی پای خود و عدم وابستگی برگزیدند.

آتشی در کنار همه این مسئولیت‌ها، نویسنده‌ای جدی نیز بود. آثاری چون «بسکتبال و من»، «پیشینه بسکتبال استان‌ها» و «بسکتبال در گذر زمان» حاصل تلاش او برای ثبت تجربه زیسته‌اش از ورزشی است که خود بخشی از تاریخ آن به شمار می‌رفت. او همچنین یکی از صداهای ماندگار ورزش ایران بود؛ صدایی که بی‌اختیار این جمله را به ذهن می‌آورد: «فقط صداست که می‌ماند.» صدایی که در حافظه جمعی چند نسل از علاقه‌مندان ورزش باقی مانده است؛ حتی بیش از چهره برخی بازیکنان تیم ملی بسکتبال در دهه‌های گذشته.



نگاهی به کارنامه پرافتخار **زنده‌یاد عنایت‌الله آتشی** در ورزش ایران

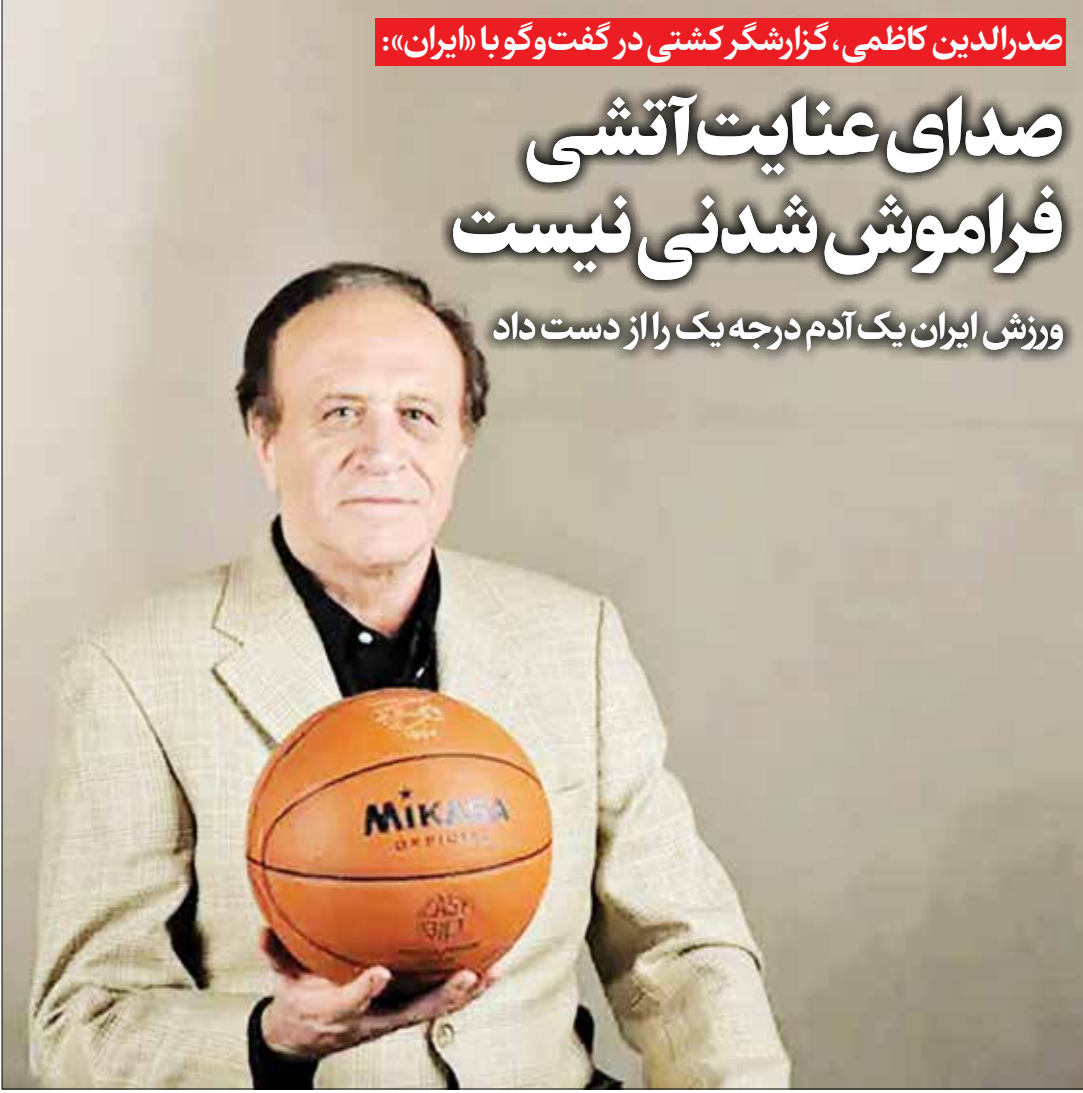
# این صدا نمی‌میرد

**سینا حسینی** / در سال‌هایی که هنوز تب رسانه به وسعت امروز نرسیده بود، از دل تلویزیون صدایی برمی‌خاست که فقط گزارشگر یک مسابقه نبود؛ صدایی بود که به لحظه‌ها معنا می‌داد و به تماشاگران، احساسی مشترک می‌بخشید؛ صدای ماندگار عنایت‌الله آتشی. او راوی صرف بسکتبال نبود، راوی شور و شوقی بود که برای بسیاری از ایرانیان، به سنتی هفتگی بدل شده بود. آدینه‌ها با صدای او آغاز می‌شد؛ با لحنی گرم و پرکشش که حتی عادی‌ترین صحنه‌ها را به خاطره‌ای ماندگار بدل می‌کرد.

**صدرالدین کاظمی، گزارشگر کشتی در گفت‌وگو با «ایران»:**

# صدای عنایت آتشی فراموش شدنی نیست

## ورزش ایران یک آدم درجه یک را از دست داد



علی -نورالاسیون بسکتبال

**پریسا غفاری** / نام عنایت‌الله آتشی با بسکتبال ایران گره خورده است و این نام از زمین بازی تا نیکمت مربیگری و از پشت میکروفن گزارشگری تا صفحه کتاب به چشم می‌خورد. او نه فقط یک چهره ورزشی، بلکه بخشی از حافظه تاریخی بسکتبال ایران بود.

اما آنچه او را متمایز از دیگر ورزشکاران می‌کرد، مردمی بودن و سطح

بود؛ آموزگاری که از دل کلاس‌ها و زمین‌های ساده تمرین برخاست. او جویبار نام‌ها نبود، جویبار تجربه‌ای جمعی که مخاطبان را نه فقط برای تماشای بازی، بلکه برای زیستن در روایت، پای تلویزیون می‌نشاند. با هر پاس و هر پرتاب، این صدای آتشی بود که جریان بازی را جان می‌بخشید، به تصویر روح می‌داد و تماشاگر را در متن لحظه شریک می‌کرد.

چهره‌ای که بعدها در قاب تلویزیون شناخته شد، پیش از آن در سکوت و بی‌ادعا، نقشی بنیادی تر

ایفا کرده بود. آتشی پیش از هر چیز یک معلم



من که سال‌ها با او در ارتباط بودم، دانش مربیگری و فهم بسکتبالش واقعاً حیرت‌زده‌ام می‌کرد. صحبت از تأثیرگذاری تاکتیک‌های پیچیده در بسکتبال به هنگام گزارش، علم او و این رشته نشان می‌داد.

واقعاً یک کارشناس واقعی و یک گزارشگر متخصص بود

استقلال. از این رو، برای بسیاری از هواداران این تیم، آتشی صرفاً یک نام نیست، بلکه بخشی از هویت تاریخی باشگاه است؛ حضوری معنوی که رد آن در شکل‌گیری یک نام بزرگ باقی مانده است. مرور زندگی او، در حقیقت بازخوانی بخشی از خاطرات جمعی ماست؛ خاطراتی که در آن، صدایش با هیجان ورزش درآمیخته است. بسیاری از چهره‌های برجسته ورزش ایران، از او به عنوان نقطه‌ای اثرگذار در مسیر حرفه‌ای خود یاد می‌کنند؛ نشانه‌ای روشن از اینکه آتشی نه تنها در ذهن مخاطبان، بلکه در سرنوشت ورزش این

اولین خاطره‌ای که از شادروان آتشی در تمرینات یا مسابقات بسکتبال در ذهن دارم را برای‌مان روایت کنید.

سال‌هایی که زیر نظر جمشید شریعت‌نژاد بسکتبال بازی می‌کردم با عنایت آشنا شدم. به خاطر دارم تیم ما با کاپیتانی سعید ارمغانی، مقابل شاگردان محمود پورشرفی در تیم رستایخیز که مرحوم آتشی هم عضو آن بود، همیشه در فینال بازی می‌کردیم و اغلب اوقات ما بازنده میدان بودیم. در آن زمان مرحوم بازیکن تیم ملی بود. مردی که در میدان هم با خلاق بود و برای من افتخار بزرگی است که با این چهره ارزشمند آشنا شدم.

چه عاملی باعث شد عنایت‌الله آتشی از دیگر چهره‌های بسکتبال متمایز شود؟ توانایی بسیاری در بازیکنی، مربیگری و مدیریت داشت. اخلاق پسندیده و فروتنانه‌اش همیشه زاینده جامعه ورزش بود. انسانی چندبعدی که فکر نمی‌کنم بسکتبال تا به حال سراغ داشته باشد.

رفاقت شما با مرحوم عنایت‌تشی به سال‌های بسیار دور بازمی‌گردد. گفته می‌شود او نقش تأثیرگذاری در حوزه فعالیت رسانه‌ای شما داشت.

سال ۱۹۹۰ میلادی بود، به عنوان گزارشگر به مسابقات قهرمانی جوانان آسیا در ژاپن اعزام شدم. در طول آن بازی‌ها همکاری ویژه‌ای با من داشت، چرا که اولین گزارش تخصصی‌ام از بسکتبال را انجام می‌دادم. همچنین در المپیک ۱۹۹۶ آمریکا به خاطر دارم به‌طور مستقیم مسابقات کشتی از رادیو پخش زنده شد. وقتی به تهران برگشتم، اولین کسی که در فرودگاه مهرآباد به سراغم آمد، مرحوم آتشی بود.

خیلی دوستانه مرا در آغوش گرفت و از گزارش‌هایم تعریف کرد و درخواست کرد که ادامه بدهم. او در جایی که همه در امور کاری مخالف همدیگر هستند،

فروتنانه از من خواست به کارم با جدیت ادامه بدهم، چرا که معتقد بود روزهای خوبی را در گزارشگری کشتی خواهیم داشت.

دوست‌داشتنی داشت؛ خوش پوش، خوش بیان و مسلط بر هنر ارتباط با انسان‌ها. در تمام سال‌هایی که او را می‌شناختم، هرگز ندیدم درباره کسی سخن ناخوشایند بگویم یا به بدگویی از دیگران بپردازم؛ و این، خود گواهی روشن بر بزرگی روح اوست.

صدای او در گزارش‌های رادیویی و تلویزیونی، بویژه در برنامه «بسکتبال نوین»، برای بسیاری از علاقه‌مندان ورزش، شور و هیجان خاصی به همراه داشت. من نیز از جمله مخاطبان پر و پا قرص این برنامه بودم و جمعه‌صبح‌ها با اشتیاق ویژه‌ای آن را دنبال می‌کردم. در روزهایی که در بستر بیماری بود، فرصتی دست داد تا به ملاقاتش بروم. در همان دیدار نیز، همچنان ذهن و دلش درگیر استقلال و بسکتبال بود.

## پدر بسکتبال نوین ایران

## یادداشت

### رزادرویش

مدیرعامل اسبق پرسپولیس

عنایت‌الله آتشی از نسل‌هایی بود که بسکتبال ایران را از زمین‌های ساده و ابتدایی، به سوی ساختاری منسجم‌تر عصبانیت یا بی‌ادبی از او ندیدم. انسانی بود بسیار مؤدب، متین و فروتن؛ هرگز از شهادت‌گرفتنی‌ها نبود و هم‌خود در شکل‌گیری آن نقش مستقیم داشت. او در روزهایی که در بستر بیماری بود، فرصتی دست داد تا به ملاقاتش بروم. در همان دیدار نیز، همچنان ذهن و دلش درگیر استقلال و بسکتبال بود.

سرمزمن نیز حضوری تعیین‌کننده داشته است. اکنون که دیگر در میان ما نیست، بیش از هر چیز جای خالی «لحن» او احساس می‌شود؛ لحنی که در آن، هیجان به سطحی‌گری نمی‌لغزید و دانش به خودنمایی آلوده نمی‌شد. صدایی صادق که ماندگاری‌اش را از همین صداقت می‌گرفت.

در نبود عنایت‌الله آتشی، ورزش ایران تنها یک گزارشگر یا مربی را از دست نداده است؛ معلمی را از دست داده که می‌دانست چگونه بی‌بهاو اثر بگذارد، چگونه نسلی را پرورش دهد و چگونه در حافظه جمعی، ماندگار بماند.

بسیاری از کسانی که با عنایت آتشی در حوزه رسانه فعالیت کرده‌اند، معتقدند او مثل یک معلم دلسوز بود.

من و آتشی در شبکه ورزش و رادیو همکار شدیم و نزدیک هم می‌نشستیم و صحبت‌های طولانی می‌کردیم. همیشه نکات فنی گزارشگری را از او یاد می‌گرفتم. ولی نکته جالب این بود که به لحاظ فنی با کشتی‌آشنا بود و اطلاعات عمیقی از این رشته داشت. ایشان در هر کاری قدم می‌گذاشت بی‌نظیر کار می‌کرد. تواضع، فروتنی، دانش و اخلاق پسندیده‌نوام با درس‌آموزی، او را به یک استثنای در ورزش ایران تبدیل کرده بود. به نظرم فعالیت تمام‌وقت در تمام عرصه‌های بازیکنی، مربیگری و گزارشگری از او یک استاد تمام ساخت.

بسیاری از کارشناسان معتقدند جای خالی او در رسانه به‌سادگی پر نمی‌شود.

صدای دلنشین و لحن متفاوت و اثرگذار عنایت آتشی در گزارش مسابقات بسکتبال فراموش‌شدنی نیست. صدایی که سال‌ها نقطه تلافی با بازی‌های مختلف بسکتبال بود؛ از باشگاهی تا ملی. صدایی به درازای برنامه «بسکتبال نوین» چند دهه پیش تا بسکتبال همیشه جذاب و پرشور NBA. من که سال‌ها با او در ارتباط بودم، دانش مربیگری و فهم بسکتبالش واقعاً حیرت‌زده‌ام می‌کرد. صحبت از تأثیرگذاری تاکتیک‌های پیچیده در بسکتبال به هنگام گزارش، علم او را به این رشته نشان می‌داد. واقعاً یک کارشناس واقعی و یک گزارشگر متخصص بود.

وقتی خبر درگذشت عنایت‌تشی را شنیدید چه حسی داشتید؟

حس غریبی ندارم، فقط فقدان این آدم‌هاست که تکرارناشدنی هستند. اینها اسطوره‌های بی‌تکرارند و فقدان شان زجرآور و تأسف‌آور است، اما نمی‌شود با گذر عمر و طبیعت زندگی مبارزه و آن را نفی کرد. تنها کاری که می‌توانیم انجام دهیم این است که همدیگر را درپاییم و نگذاریم وقت همراهی و کنار هم بودن را از دست بدهیم. از مهمم قلبم به چه معتقد بود تسلیت می‌گویم که یک آدم درجه‌یک و کاردار را از دست دادند.



بود. حتی در واپسین گفت‌وگوها، صدغ‌عاش آینده این دو حوزه بود. در جشن ۸۰ سالگی باشگاه استقلال نیز در کنار هم نشسته بودیم؛ حضوری که برای او بسیار دلنشین بود و بارها با خوشحالی از کردهم آمدن نسل‌های مختلف این باشگاه سخن می‌گفت و تأکید داشت که چنین جمع‌هایی نباید فراموش شوند.

مرحوم عنایت‌الله آتشی متولد ۱۶ مرداد ۱۳۲۴ در جهرم فارس بود. همیشه با لیخند و طنز خاص خود می‌گفت: «من، بسکتبال ایران و باشگاه تاج هم‌سن هستم؛ سال‌ها تولد هر سه یکی است.» جمله‌ای که در عین سادگی، عمق پیوند او با تاریخ ورزش این سرزمین را نشان می‌داد.

یاد و نام او، در حافظه ورزش ایران و بویژه باشگاه استقلال، ماندگار خواهد ماند.

او در سالن‌های بسکتبال خلاصه می‌شد. برای ما او تنها یک مربی نبود، بلکه در بسیاری از امور زندگی و تحصیل نیز نقش پشتیبان و راهنما را داشت؛ نقشی که امروز در ورزش ما کمتر دیده می‌شود.

در تمرین‌ها جدی و سختگیر بود، اما پس از پایان تمرین، چهره‌ای صمیمی و رفیق‌گونه داشت. به احوالپرستی شاگردان و همراهانش اهمیت ویژه می‌داد و همین ویژگی انسانی، جایگاه شاید به همین دلیل بود که در مراسم تشییع او، جمعی گسترده از اهالی ورزش حضور یافتند. با این حال، اگر از بسیاری از همان افراد پرسیده شود آخرین بار چه زمانی با او تماس داشته‌اند یا احوالی از او جویا شده‌اند، شاید پاسخ ماه‌ها و حتی سال‌ها سکوت باشد. این خود یادآور نکته‌ای مهم است: قدر دانستن بزرگان، پیش از آنکه تنها به خاطره بدل شوند.